

< هوالحكيم >

عنوان:

رجعت از ضروریات و اجماعیات شیعه!



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

مرحوم علامه‌ی مجلسی کتابی دارن «حق‌الیقین»، و این از بهترین کتاب‌هایی هست که در تبیین اعتقادات تشیع به زبان فارسی نوشته شده. ایشان بحثی دارن به عنوان رجعت. می‌شه گفت اولین کتاب اعتقادی که یادمه خوندم همین کتاب بود. از بهترین کتاب‌های اعتقادی که خدا رحمت کرده به جد می‌شه به ایشان گفت علامه! علامه! واجد علوم مختلف و تبحر در فهم حدیث، خُبره‌ی حدیث، که نمونه‌ای از کتاب‌های ایشان یک کتاب ایشان بحار الأنوار در ۱۱۰ جلد هست! که فراوان، استدراک و فهم و دقت در آیات و روایات در این کتاب صورت گرفته؛ به‌عنوان توضیح، به‌عنوان بیان، به‌عنوان اقول، این‌ها مطالب بسیار نفیسی هست که مرحوم علامه این‌ها رو بیان فرمودند. صفحه‌ی ۳۳۵ (از کتاب حق‌الیقین) مقصد نهم در اثبات رجعت هست. می‌نویسند: «بدان که از جمله اجماعیات شیعه، (یعنی تمام علمای شیعه اجماع، متفق‌القول در اون هستند) بلکه ضروریات مذهب فریقه‌ی محقّهی حقیّت، رجعت هست».

یعنی جزء ضروریات مذهب هست؛ ضروریات مذهب یعنی اگر این رو قبول نکنی تشیع تو می‌ره زیر سؤال! پس خیلی مهمه! هم اجماعی هست هم جزء ضروریات مذهب هست. «یعنی پیش از قیامت در زمان حضرت قائم علیه‌السلام، جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد به دنیا بر می‌گردند. نیکان برای آن که به دیدن دولت ائمه‌ی خود علیهم‌السلام، دیده‌های ایشان روشن گردد». که البته اون‌جا هم بعداً می‌گیریم از همون خوب‌ها و خوب‌ها هم که می‌خوان بیارن ازشون اذن می‌گیرن، می‌خوای برگردی؟

می‌گه بله می‌خوام برگردم! آگه نخواد برگرده می‌گه من در بهشت برزخی هستم، دیگه دوباره نمی‌خوام برگردم؛ خب بر نمی‌گرده! اما می‌گه می‌خوای برگردی؟ می‌گه بله می‌خوام برگردم! می‌ارنش. «و بعضی از جزای نیکی‌های ایشان در دنیا به ایشان برسد».

در این دنیا این خوبی‌هایی که در دوره‌ی قبل داشتن، بهشون داده می‌شه. «و بدان از برای عقوبت و عذاب دنیا و مشاهده‌ی اضعاف آن دولتی که نمی‌خواستند به اهل بیت رسالت برسد و انتقام کشیدن شیعیان از ایشان و سایر مردم در قبرها می‌مانند تا قیامت محشور شوند». پس بدها رو برای چی میارن؟ بدها رو میارن که این‌ها انتقام‌شون در این دنیا انتقام گرفته بشه! در این دنیا ظلم کردن، در این دنیا جنایت کردن! ایام فاطمیه هست، کسانی که اهانت کردند به مادر سادات حضرت صدیقه‌ی طاهره سلام‌الله‌علیها، اون افراد، این رجاله‌هایی که بی‌رو مورد ضرب و جرح قرار دادن، اون‌ها قطعاً در روایات مستقلاً اومده این‌ها زنده می‌شوند، در این دنیا توبیخ می‌شوند! در این دنیا چندین بار کشته می‌شوند زنده می‌شوند! و به شدت، شیعیان از این‌ها انتقام می‌کشن!

بعد فرمودند که «چنانچه در احادیث بسیاری وارد شده که رجوع نمی‌کند در رجعت، مگر کسی که محض ایمان داشته باشد یا محض کفر، اما سایر مردم پس از ایشان را به حال خود می‌گذارند».

گفته بود بعضی از خوبان و بعضی از بدان؛ اون‌ها چه خوب‌ها و چه بدهایی هستند؟ کسانی که محض ایمانند و محض کفرند! یعنی اون خوب، خوب، خوب‌ها، و اون بد، بد، بدها! این دقیقاً مثل چیه؟ مثل سؤال قبر هست! همه که سؤال قبر ندارند! فشار قبر رو خیلی‌ها دارن، همه سؤال قبر ندارند، این متوسطین سؤال قبر ندارند! اون‌هایی که محض کفر هستن، بد، بدها سؤال قبر دارن اون‌هایی که محض ایمانند، خوب، خوب‌ها سؤال قبر دارن، شب اول قبر، سؤال می‌کنن. اون بد، بد، بدها هم نمی‌تونن جواب بدن! حالا این‌ها چه حکمتی داره؟! بد، بد نمی‌تونه جواب بده خوب، خوب خوب هم می‌تونه جواب بده! شاید تشریفات باشه، یک اتمام حجتی باشه؛ بالاخره به هر طریقی.

بعد فرمودند رجعت برای کی هست؟ اون‌هایی که خوب، خوب، خوب هستند و کسانی که بد و بد و بد هستند. یعنی بدهای سرپایی رو نمیارن! این خوب‌های معمولی هم نمیارن! اون‌هایی که خیلی کاردرست هستند، لول خوبی یا بدی‌شون خیلی بالاست؛ در دو طرف به هر حال جایگاهی دارن، موقعیتی دارن.

بعد می‌فرمایند: «و اگر اکثر علمای امامیه دعوی اجماع بر حقیّت رجعت کردند (یعنی در اجماعیش اختلافی توش نیست)، مانند کی؟ محمدبن بابویه (مرحوم شیخ صدوق) می‌فرمایند در رساله‌ی اعتقادات شیخ مفید و سید مرتضی، شیخ طبرسی و سیدبن طاووس و غیر ایشان، از اکابر علمای امامیه، و پیوسته در اعصار ماضیه، (یعنی اعصار قدیم گذشته)، میان علمای امامیه و مخالفین در این مسأله نزاع بوده (نسبت به مخالفین خودشون یعنی اهل تسنن) و بسیاری از علما و محدثین شیعه،

رسائل مفرده، (یعنی يك رساله و کتابی اصلاً برای رجعت نوشته)، در این مسأله تعریف نموده‌اند، چنانچه ارباب رجال ذکر نموده‌اند و شیخ ابن بابویه در کتاب من لا یحضر الفقیه روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام که از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد و متعه را حلال نداند! و این حقیر در کتاب بحار الأنوار، زیاده از دویست حدیث از زیاده از چهل نفر از مصنفین علمای امامیه که در پنجاه اصل معتبر ایراد نموده‌اند بیرون نوشته‌ام؛ هر که را شکی باشد به آن کتاب رجوع کند».

این مسأله‌ای هست که مرحوم علامه مجلسی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه مطرح کردند.